



عدالت مهدوی و ادیان^۱

نصرت الله آیتا

۱. نوشتار حاضر قسمتی از پایان‌نامه نویسنده است که باعنوان دین در عصر ظهور برای مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی در مقطع کارشناسی ارشد به رشته تحریر در آمده است.

اشاره

برخوردهای آغازین امام مهدی(عج) با اهل کتاب چگونه است؟ عادلانه و همراه با رأفت و مدارا یا سهمگین و همراه خشونت؟ در قسمت نخست نوشتار حاضر، ??? بر مسألت آمیز بودن رفتار امام مهدی(عج) با اهل کتاب ذکر شده است.

بر اساس این، قرآن تنها شماری از اهل کتاب - که متعصبانه حق را انکار می‌کنند - در جریان فتح دنیا به دست سپاه امام مهدی(عج) کشته خواهند شد و اکثریت آنان راه رستگاری و فلاح را در پیش خواهند گرفت و در پایان، به بررسی روایاتی پرداخته شده است که از برخوردهای سپاه امام مهدی(عج) با اهل کتاب سخن به میان آورده‌اند. نتیجه کنکاش در روایات، این است که آنها نه تنها تعارضی با مدعای فوق ندارند، بلکه آن را تأیید نیز می‌کنند.

مقدمه

از دیرباز، اندیشه خرافی برخوردهای تند و خشونت‌بار سپاه امام مهدی(عج) با انسان‌های عصر ظهور در اذهان بسیاری نفوذ کرده است و گاه این تصور به دور از واقعیت و تصویر تاریک از عصر پرفروغ ظهور، انسان‌های نادان را به مرز بی‌رغبتی و احیاناً تنفر از درک آن روزگار پرشکوه کشانده است. براساس این دیدگاه، وقتی برخورد امام مهدی(عج) با مسلمانان و شیعیان چنین باشد، غیرمسلمانان جای خود دارند. فرورفتن در منجلاب فساد و تباهی و دوری از فضیلت‌ها و آرمان‌های اخلاقی، غیرمسلمانان را سزاوار برخوردی سهمگین و انتقامی سخت کرده است و سپاه مهدی موعود(عج) از سوی خداوند متعال مأمور گرفتن این انتقام است.

اما میراث فرهنگی پیشوایان دینی (ع) سخنی جز این دارد و واقعیت را به گونه‌ای دیگر ترسیم کرده است. مهدی (عج) نه مهدی مسلمانان که مهدی همه امت‌ها است؛ «السلام علی مهدی الامم»^۱ و عدالت او نه مخصوص مسلمانان که برای همگان است: «یسع عدله البر والفاجر»^۲. او مظهر رحمت واسعه الهی است: «السلام علیک ایها الرحمة الواسعة»^۳ و رحمت الهی همگان را فراگرفته است. «رحمتی وسعت کل شیء»^۴. او بهار مردمان است: «السلام علی ربیع الانام»^۵ و خرمی روزگاران: «ونصرة الايام»^۶ و چونان بهار، خرمی و طراوتش را به همگان هدیه می‌کند.

از عدالت مهدوی در ارتباط با معتقدان دیگر ادیان الهی در ابعاد مختلف می‌توان سخن گفت. عدالت در دعوت (تبیین، دادن فرصت فکر و تصمیم‌گیری و...)، عدالت قضایی، عدالت اقتصادی و... از ابعاد مختلف برخوردهای عادلانه امام مهدی (عج) است و این مواججه گاه از مرز عدالت خارج شده و به حوزه احسان وارد می‌شود. نزول عیسی علیه السلام از آسمان و شرکت دادن او در تشکیل حکومت عدل جهانی و نیز سپردن نقش محوری به ایشان در کشتن دجال و سفیانی - به عنوان دو جبهه از مهم‌ترین جبهه‌های مخالف حکومت جهانی امام مهدی (عج) - و در نتیجه، شکل گرفتن احساس مشارکت و بلکه مالکیت نسبت به این حرکت جهانی در میان اهل کتاب، از اقدامات محسانانه امام مهدی (عج) خواهد بود.

ما از میان ابعاد مختلف عدالت مهدوی در مواججه با اهل کتاب، تنها به این سؤال پاسخ خواهیم داد که آیا آن حضرت در آغاز حرکت جهانی خویش با اهل کتاب برخوردی عادلانه، مسالمت‌آمیز و همراه با رأفت و رحمت خواهد داشت و یا این که بسیاری از آنان را از دم شمشیر خواهد گذراند؟ قراین کدام دیدگاه را تأیید می‌کنند و از روایات مربوط کدام نظریه را می‌توان تأیید کرد؟ نوشتار حاضر پاسخی کوتاه به سؤال فوق است.

به اعتقاد ما، استفاده امام از حربۀ قتل، جنگ و خشونت در کم‌ترین حد ممکن خواهد بود و درصد بسیار اندکی از اهل کتاب در رویارویی با امام، به قتل خواهند رسید. آن هم اهل کتابی که از لجاجت و عناد خود دست برداشته و حق آشکار را انکار کنند. این دیدگاه را می‌توان به وسیله قراین متعددی تأیید و تقویت کرد از جمله:

۱. مؤید اول: نرمش دولت‌ها در برابر امام مهدی (عج)

۱. مصباح کفعمی، زیارة المهدی (عج).

۲. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۹۰.

۳. مفاتیح الجنان، زیارت آل یس.

۴. اعراف، ۱۵۶.

۵. مفاتیح الجنان، زیارت آل یس.

۶. همان.

بی گمان، امام مهدی (عج) براساس موازین فقهی و اسلامی پیش از لشکرکشی و آغاز جهاد، اهل کتاب را به اسلام خوانده و اهداف خود از جهاد را به آنان اعلام خواهد فرمود. آن اهداف عبارتند از گسترش توحید، معنویت، عدالت... رساندن این پیام به گوش جهانیان، با توجه به فن آوری موجود در امر اطلاع رسانی و ارتباطات امری ساده خواهد بود. با رسیدن پیام حضرت به گوش جهانیان، این پیام آسمانی در دل انسان‌های خسته و مأیوس نور امیدی می تاباند و انسان‌های تشنه معنویت و عدالت و خسته از پوچی و ظلم و فساد را به جنبش و تحرک وا می‌دارد و در درون کشورهای مسیحی و یهودی گروه‌ها و جماعت‌های زیادی خود به خود و به صورت خودجوش شکل گرفته و خود را برای کمک به امام که در حال حرکت به سوی آنهاست آماده می‌کنند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

إذا خرج القائم خرج من هذالامر من كان يري انه من اهله و دخل فيه شبه عبدة الشمس والقمر^۱

چون قائم (عج) قیام کند، کسی که گمان می‌رفت اهل این امر باشد از آن خارج می‌شود. و در مقابل، افرادی که مانند خورشید و ماه پرستان هستند به آن می‌پیوندند.

گرچه در این روایت تعبیر «مثل خورشید و ماه پرستان» آمده، ولی به قرینه صدر روایت منظور کسانی است که از آنها پیوستن به امام مهدی (عج) توقع نمی‌رفت و این تعبیر شامل تمامی غیرمسلمانان می‌شود. هم‌چنین بسیاری از اهل کتاب امروز جهان، به اسم، اهل کتابند و از نظر عمل و اعتقادات و اخلاقیات به ماه و خورشیدپرستان بی‌شبهت نیستند. به هر حال «با شکل گرفتن این گروه‌ها و جماعت‌ها، حکومت‌های این مناطق هرچند هم که مصمم بر مقاومت و جنگ باشند، ناگزیر از نرمش و اقدام مسالمت‌آمیز خواهند بود؛ چرا که حاکم در چنین شرایطی مانند شخص غیرمسلحی است که هیچ توان و نیرویی ندارد. و تدریجاً دولت‌های کافر درمی‌یابند که آینده جهان در دست امام مهدی (عج) خواهد بود و این حقیقتی است که گریزی از آن نیست یا این که دست‌کم حکومت امام مهدی (عج) هم‌چون دولت بزرگی خواهد بود که جبهه-گیری و رویارویی با او بسیار مشکل خواهد بود. بنابراین بهترین روش، نزدیک شدن به او و داشتن برخوردی محترمانه است»^۲.

با وجود چنین نرمشی از سوی دولت‌ها، به یقین، جنگ و کشتار به پایین‌ترین سطح ممکن خواهد رسید.

۱. محمد بن ابراهیم نعمانی، غیبت نعمانی، ص ۴۵۰.

۲. محمدصدر، تاریخ ما بعدالظهور، ص ۳۷۸.

۲. مؤید دوم: یاری شدن امام مهدی (عج) به وسیله رعب

در روایات فراوانی به این نکته اشاره شده است که امام مهدی (عج) با ایجاد رعب از سوی خداوند یاری می‌شود. (منصور بالرعب) برخی از آن روایات به این شرح‌اند:

الف) امام باقر علیه السلام:

... الرعب یسیر مسیره شهر امامه و خلفه و عن یمینه و عن شماله.

... رعب به فاصله یک ماه پیشاپیش او، پشت سر او و از راست و چپ او حرکت می‌کند.^۱

ب) امام باقر علیه السلام:

... یسیر الرعب امامه شهراً و خلفه شهراً امده الله بخمس الاف من الملائكة

موسمین^۲

رعب به فاصله یک ماه پیشاپیش او و به فاصله یک ماه پشت سر او حرکت می‌کند. خداوند او را با پنج هزار فرشته نشانه‌دار کمک می‌کند.

اثر آشکار این رعب و هراس تضعیف روحیه مخالفان امام مهدی (عج) و به حداقل رسیدن مقاومت آن‌ها و در نتیجه، به حداقل رسیدن درگیری و تلفات خواهد بود.

۳- مؤید سوم: رفتار مسالمت‌آمیز امام مهدی (عج) با اهل کتاب

روایات فراوانی به مسالمت‌آمیز بودن رفتار امام مهدی (عج) با اهل کتاب گواهی می‌دهد. پیش از آوردن آن‌ها، تذکر دو نکته مفید به نظر می‌رسد:

نکته اول

سید محمد صدر پس از آوردن برخی از روایاتی که بر قتل مخالفان امام (عج) دلالت می‌کند می‌گوید:

ممکن است این سؤال در ذهن خطور کند که ظاهر روایات یادشده این است که قتل زیاد مخصوص مسلمانان بوده و غیرمسلمانان را دربر نمی‌گیرد. به راستی دلیل این مسئله چیست؟ با آن‌که می‌دانیم که کافر و مشرک از حق دورتر و نسبت به قتل از مسلمان منحرف‌سزواترند؟

ما می‌توانیم به این سؤال دو پاسخ متفاوت بدهیم:

الف) ما دلالت این روایات بر اختصاص کثرت قتل به مسلمانان را انکار می‌کنیم؛ زیرا

۱. محمد بن ابراهیم النعمانی، غیبت نعمانی، ص ۳۳۷.

۲. علی کورانی، معجم احادیث الامام المهدی، ج ۵، ص ۲۵۱.

این روایات دو دسته‌اند:

دسته اول، روایاتی که مطلقاًند و هیچ اشاره‌ای نسبت به اختصاص به مسلمانان در آن‌ها وجود ندارد، بلکه ظاهر آن‌ها عام است و شامل همه مردم می‌شود. مانند این روایات: «القائم یسیر بالقتل...»، «لایستتیب احداً...»، «ما هو الا السیف...»، «فلا یزال یقتل اعداء الله حتی یرضی الله عزوجل» و امثال این‌ها.

دسته دوم، اخباری که در آن‌ها از برخی گروه‌ها نام برده شده است. مانند: قریش، بتریه،^۱ اهل سواد، عرب، فارس، ۷۰ قبیله از عرب. از این گروه‌ها، بتریه طبق فرض، منحرف‌اند و مستحق قتل، ولی نسبت به دیگر گروه‌ها این‌ها عناوینی هستند غیردینی که در هر کدام از آن‌ها مسلمان - با مذاهب متفاوت - و غیر مسلمان - با دین‌های متفاوت - به نسبت‌هایی یافت می‌شوند. آمدن اسامی این گروه‌ها در برخی از اخبار به معنای عدم شمول قتل نسبت به دیگر گروه‌ها نیست؛ زیرا قانون «کَلِمَ النَّاسِ عَلٰی قَدْرِ عَقُولِهِمْ؛ با مردم به اندازه عقلشان سخن بگو»، باعث شده است که پیشوایان اسلامی اسامی همه گروه‌هایی که مشمول حکم قتل‌اند را بیان نکنند؛ زیرا سطح فکری و فرهنگی مردم عصر صدور این روایات ظرفیت فراگیری آن را نداشته است.

ب: ما اگر از پاسخ اول کوتاه بیاییم و بپذیریم که ظاهر روایات این است که کثرت قتل مخصوص مسلمانان است، این، امر بعید و دور از ذهنی نیست. بلکه می‌تواند مطابق با قواعد عمومی اسلامی و برنامه‌های کلی الهی باشد؛ زیرا ما پیش‌تر اشاره کردیم که تسلط امام مهدی (عج) بر غیرمسلمانان و کشورهای غیر اسلامی برنامه ویژه و مخصوصی دارد و ما روایاتی که این معنی را تأیید می‌کنند در آینده خواهیم آورد. آن برنامه مخصوص، تسلطی است که بیش‌تر آن جنبه مسالمت‌آمیز دارد. هم‌چنان‌که مسلمانان و کشورهای اسلامی نیز برنامه‌ای ویژه به خود را دارند که آن برنامه، کثرت قتل آن‌ها می‌باشد و روایات یادشده بر این مطلب دلالت داشتند. این کثرت قتل به منظور تسلط نیست؛ به خاطر پاک‌سازی جامعه از عناصر سوء است.^۲

در ادامه، سید محمد صدر علل مختلفی را برای تفاوت رفتار امام (عج) با مسلمانان و غیرمسلمانان بر می‌شمارد. یکی از مهم‌ترین آن دلایل این است که:

دلیل و حجت حقانیت دین اسلام برای مسلمانان در محدوده وسیعی آشکار و واضح

۱. بتریه پیروان کثیرالنوای اتر هستند. رک: محمد بن عبدالکریم (شهرستانی)، الملل والنحل، ج ۱ (بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۰۲) ص ۱۶۱.

۲. محمدصدر، تاریخ ما بعدالظهور، ص ۹۷.

است. به خلاف غیرمسلمانان که چنین وضوحی برای همه و در سطح واحدی فراهم نشده است. وجود این ویژگی در مسلمانان، اقتضا می‌کند که مسلمانان از بالاترین رتبه‌های ایمان و اخلاص برخوردار باشند و بهترین نمونه و الگوی نظریه‌ای باشند که خود آن را طرح کرده‌اند. مسلمانانی که این‌گونه نباشند، به‌زودی یا در دراز مدت در امر رهبری و نیز اجرای تئوری عدالت کامل، در سرزمین خود و سراسر گیتی اخلاص ایجاد می‌کنند و این با هدف بلند امام (عج) منافات دارد.^۱

نکته دوم

گرچه در این روایات، واژه اهل کتاب به کار نرفته است، ولی از سرزمین‌هایی چون روم نام برده شده است و از آن‌جا که بیش‌تر مردمان مغرب زمین اهل کتاب‌اند، شیوه رویارویی امام (عج) با مغرب زمین همان شیوه امام با اهل کتاب خواهد بود. به هر حال، برخی از روایاتی که بر مسالمت‌آمیز بودن رفتار امام مهدی (عج) با اهل کتاب دلالت می‌کنند به قرار ذیل است:

الف) امام علی علیه السلام می‌فرماید:

ثم یسیر و من معه من المسلمین لایمرون علی حصن ببلد الروم الا قالوا علیه لاله الا الله فتساقط حیطانہ ثم ینزل من القسطنطنیة فیکبرون تکبیرات فینشف خلیجها و یسقط سورها ثم یسیر الی رومیة فاذا نزل علیه کبر المسلمون ثلاث تکبیرات فتکون کالرملة علی نثر.^۲

سپس او و همراهانش حرکت می‌کنند. در کشور روم به دژی برنمی‌خورند؛ مگر این‌که با گفتن ذکر لاله اله الله دیوارهایش فرو می‌ریزد. سپس در قسطنطنیه (استانبول) فرود می‌آیند و با گفتن چند تکبیر رودخانه‌اش می‌خشکد و حصارهایش فرو می‌ریزد. آن‌ها سپس به سمت رومیه حرکت می‌کنند و با گفتن سه تکبیر، آن‌جا چون شنزاری بر بلندی می‌شود.

ب) امام باقر علیه السلام:

... و یبعث جنداً الی القسطنطنیة فاذا بلغوا الخلیج کتبوا علی اقدامهم شیئاً و مشوا علی الماء فاذا نظر الهمیم الروم یمشون علی الماء قالوا هولاء اصحابه یمشون علی الماء فکیف هو؟ فعند ذلك یفتحون لهم ابواب المدینة فیحکمون فیها ما یشائون.^۳

... و مهدی (عج) سپاهی را به سوی قسطنطنیه گسیل می‌دارد. چون به رودخانه رسیدند، بر پیشان چیزی نوشته و بر آب راه می‌روند. چون رومیان این صحنه را مشاهده کردند، می‌گویند اصحاب او بر آب راه می‌روند، پس خود او - امام مهدی (عج) - چگونه خواهد

۱. همان، ص ۹۸.

۲. علی کورانی، معجم احادیث الامام المهدی، ج ۳، ص ۱۲۴.

۳. همان، ج ۳، ص ۳۱۷.

بود؟ در این هنگام، درهای شهر را بر آنان می‌گشایند و سپاه امام وارد شهر شده و هر چه اراده کند انجام می‌دهد.

(ج) امام علی علیه السلام:

... و یسیر المهدی حتی ینزل بیت المقدس و تنقل الیه الخزائن و تدخل العرب و العجم و اهل الحرب و الروم و غیرهم فی طاعته من غیر قتال^۱
 ... مهدی (عج) حرکت کرده در بیت المقدس فرود می‌آید. تمام خزاین نزد او برده می‌شود و عرب، عجم، ستیزه‌جویان، رومیان و دیگران بی‌جنگ و درگیری اطاعت او را گردن می‌نهند.

این مضمون - برخورد مسالمت‌آمیز با اهل کتاب - را می‌توان با روایات دیگری نیز تأیید کرد از جمله:

امام علی علیه السلام فرمود:

... فیسیر المهدی (عج) بمن معه لایحدث فی بلد حادثة الا الامن و الامان و البشری^۲.

... سپس مهدی و همراهانش حرکت می‌کنند. در هیچ شهری جز امن و دادن امان و بشارت اتفاقی رخ نمی‌دهد.

۴- مؤید چهارم: مدت زمان فتح دنیا

چهارمین زاویه‌ای که می‌توان از آن به مسئله روایاتی امام (عج) با اهل کتاب نگرست و می‌تواند قرینه‌ای بر استفاده حداقل امام مهدی (عج) از حربه قتل باشد، مسئله مدت جنگ و نبرد امام (عج) برای فتح دنیا است. برخی از روایات این موضوع بدین قرارند:

الف: عیسی‌ الخشاب می‌گوید به امام حسین علیه السلام عرض کردم آیا شما صاحب این امر هستید؟ حضرت فرمودند:

لا ولكن صاحب الامر الطريد الشريد الموتور بابيه المكنى بعمة يضع سيفه على عاتقه ثمانية اشهر^۳

خیر، ولی صاحب این امر طردشده رانده شده‌ای است که کسی برای پدرش خون‌خواهی نکرده، او هم کنیه عموی خود است و شمشیر را هشت ماه بر دوش می‌گذارد.

(ب) امام باقر علیه السلام:

... و يضع السيف على عاتقه ثمانية اشهر يقتل هر جا...

۱. همان، ج ۳، ص ۱۱۹.

۲. همان، ج ۳، ص ۹۶.

۳. علی کورانی، معجم احادیث الامام المهدی، ج ۳، ص ۱۸۰.

... شمشیر را برهنه کرده، هشت ماه بردوش می‌گذارد و بسیار می‌کشد...^۱

ما مدت حکومت امام مهدی (عج) را به هر میزان که بدانیم، براساس روایات یادشده هشت ماه آن که قاعدتاً هشت ماه آغازین ظهور است، مدت زمانی است که امام با مخالفان خود به جنگ و نبرد خواهد پرداخت. با توجه به دو نکته می‌توان این احتمال را تقویت کرد که درگیری‌های امام (عج) با غیرمسلمانان بسیار اندک خواهد بود و آنان در برابر امام مقاومت چندانی نخواهند کرد و امام با کم‌ترین درگیری، سرزمین‌های آنان را فتح خواهد نمود.

نکته اول: روایاتی که در آن‌ها به نبرد امام با دیگر گروه‌ها اشاره شده است، مانند درگیری با قریش، بنی شیبه، اهل بصره، اعراب و سفیانی در نقاط مختلف و... برخی از این روایات از این قرارند:

الف: امام باقر علیه السلام:

إذا بلغ السفیانی ان القائم قد توجه من ناحية الكوفة يتجرد بخيله حتى يلقى القائم... فيقتلون يومهم ذلك حتى ان الله تعالى يمنح القائم واصحابه اکتافهم فيقتلونهم حتى يفنوهم...^۲

چون سفیانی مطلع می‌شود که قائم (عج) از جانب کوفه به سوی او رهسپار شده است او نیز همراه با سوارانش حرکت می‌کند تا این‌که با قائم (عج) رویه‌رو می‌شود... پس آن روز با یکدیگر می‌جنگند. سپس خداوند قائم (عج) و یارانش را بر آن‌ها مسلط می‌کند تا این‌که آن‌ها را کشته و از بین می‌برند.

ب: امام صادق علیه السلام:

إذا قام القائم (عج) من آل محمد صلوات الله عليه اقام خمسماًة من قریش ف ضرب اعناقهم ثم اقام خمسماًة ف ضرب اعناقهم ثم خمسماًة اخرى حتى يفعل ذلك ستّ مرات. قلت: و يبلغ عدد هولاء هذا؟ قال: نعم منهم و من مواليهم.^۳

چون قائم آل محمد (عج) یام کرد پانصد نفر از قریش را گردن می‌زند. سپس پانصد نفر دیگر را گردن می‌زند و سپس پانصد نفر دیگر را و این کار را شش بار تکرار می‌کند. راوی می‌گوید: عرض کردم قریش این مقدار هستند؟ فرمود: آری از آن‌ها و از دوستانشان.

این‌ها نمونه‌هایی است از جنگ‌ها و درگیری‌های امام مهدی (عج) با دشمنان به منظور پاک کردن دنیا از وجودشان.

نکته دوم: اندک بودن مدت زمان هشت ماه برای فتح کل دنیا؛

با پیوست کردن این دو نکته، یعنی جنگ‌ها و درگیری‌های حضرت با گروه‌های

۱. همان، ص ۲۴۰.

۲. علی کورانی، معجم احادیث الامام المهدی، ج ۳، ص ۳۱۶.

۳. همان، ج ۳، ص ۳۱۴.

گونگون در خاورمیانه از یک سو و اندک بودن مدت زمانی که حضرت طی آن بر تمام دنیا مسلط می‌شود، می‌توان این احتمال را تقویت کرد که درگیری‌های امام (عج) با اهل کتاب و دیگر ملت‌ها بسیار اندک خواهد بود؛ چرا که جنگ‌های حضرت در خاورمیانه، طبیعتاً بخش عمده‌ای از هشت ماه را به خود اختصاص خواهد داد. بنابراین اگر فتح مغرب زمین و دیگر نقاط دنیا نیز همراه با جنگ و درگیری و قتل و کشتار باشد، فتح دنیا در هشت ماه امری بعید خواهد بود؛ به ویژه با توجه به وسعت فوق‌العاده مناطقی مسکونی کره زمین.

نکته قابل توجهی که مؤید مدعای ماست، این است که این احتمال وجود دارد که هشت ماه یاد شده، مدت زمان فتح و تسلط بر دنیا نباشد، بلکه مدت زمانی باشد که امام دنیا را از شر دشمنان و منحرفان پاک می‌کند؛ به این معنی که امام نخست کل دنیا را فتح خواهند کرد. طبیعتاً پس از فتح دنیا انسان‌های معاند و منحرفی نیز هستند که به دنبال ضربه زدن به نظام امام مهدی (عج) و مخالفت با اهداف و آرمان‌های حضرت باشند و امام چاره‌ای جز درگیری با این گروه نخواهد داشت. سید محمد صدر معتقد است هشت ماه یاد شده تنها زمان فتح دنیا نیست؛ بلکه مدت زمانی است که اولاً امام (عج) دنیا را فتح می‌کند و ثانیاً دنیا را از لوٹ وجود معاندان و منحرفان پاک می‌کند.^۱

براساس این احتمال، فتح دنیا در مدتی بسیار کم‌تر از هشت ماه اتفاق خواهد افتاد و مدت زمان فتح مغرب زمین - سرزمین اهل کتاب - بسیار بسیار اندک خواهد بود. در نتیجه، قتل و درگیری به کم‌ترین میزان خود خواهد بود.

۵ - مؤید پنجم: جنگ‌ها و مرگ فراگیر

قرینه پنجمی را نیز می‌توان بر مدعای برخورد مسالمت‌آمیز و به دور از جنگ و خون‌ریزی امام مهدی (عج) با اهل کتاب اقامه کرد. آن قرینه این است که براساس تعداد چشم‌گیری از روایات، پیش از ظهور، قتل و مرگ به شکل گسترده‌ای بر بشریت سایه خواهد افکند و درصد بسیار بالایی از انسان‌ها بر اثر جنگ‌ها و حوادث طبیعی از میان خواهند رفت. بی‌تردید وجود این دو عامل به ویژه عامل اول - جنگ و درگیری - توان نظامی و دفاعی بشریت را به شدت کاهش خواهد داد و کشورها را از نظر نظامی آسیب‌پذیر خواهد نمود. به یقین، بشریتی که امروزه به مرگبارترین سلاح‌های کشتار جمعی مجهز است و برخی از نیروی اتمی در اختیارش برای متلاشی کردن کل کره زمین کفایت

۱. محمدصدر، تاریخ مابعدالظهور، ص ۱۰.

می‌کند، در صورت وقوع جنگی فراگیر، از توان نظامی خود تا حد ممکن استفاده خواهد کرد و بسیار طبیعی خواهد بود که در صورت وقوع چنین جنگی، نیروهای متخصص و نیز توان نظامی و دفاعی آن‌ها به شکل وسیعی از میان برود. این جمله معروف که اگر جنگ جهانی سومى وجود داشته باشد جنگ جهانی چهارم با سنگ و چوب خواهد بود، به همین واقعیت اشاره دارد.

با رخ دادن چنین جنگی و فرسایش توان نظامی کشورهای متخصص، مقاومت در برابر سپاه امام مهدی (عج) به کم‌ترین حد خود خواهد رسید و سپاه امام با کم‌ترین جنگ و درگیری دنیا را فتح خواهد نمود.

البته اصل وجود جنگ و مرگ، پیش از ظهور، مسائلی است که در روایات فراوانی به آن اشاره شده است، ولی به گستردگی و فراگیر بودن آن، تنها در چند روایت اشاره شده است و ما مدعی نیستیم که چنین جنگی با این گستردگی حتماً اتفاق خواهد افتاد. بی‌تردید، اثبات وقوع چنین حادثه هولناکی نیازمند بررسی روایات و اسناد و دلالت آن‌ها از یک سو و بررسی سایر روایات موافق و مخالف و جمع‌بندی آن‌ها از سوی دیگر، و نیز تحلیل شرایط جهانی است؛ ولی وجود این روایات در منابع دست اول و تعدد آن‌ها این احتمال را تقویت می‌کند و همین برای ما به عنوان شاهد کفایت می‌کند.

برخی از این روایات بدین قرارند:

(الف) امام علی علیه السلام:

لا يخرج المهدي حتى يقتل ثلث و يموت ثلث و يبقى ثلث.

مهدی (عج) ظهور نمی‌کند مگر هنگامی که یک سوم مردم کشته شوند و یک سوم بمیرند و یک سوم باقی بمانند.^۱

(ب) شیخ صدوق به سند خود از سلیمان بن خالد از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند:

قدّام القائم موتان موت احمر و موت ابيض حتى يذهب من كل سبعة خمسة.
الموت الاحمر السيف والموت الابيض الطاعون.^۲

پیش از ظهور قائم (عج) دو مرگ وجود خواهد داشت: مرگ سرخ و مرگ سفید تا از هر هفت نفر پنج نفر بمیرند. مرگ سرخ مرگ با شمشیر است و مرگ سفید مرگ با طاعون.

یادآوری این نکته لازم است که گرچه بشریت از نظر بهداشتی و مبارزه با بیماری‌های گوناگون از جمله طاعون و وبا به پیشرفت چشم‌گیری دست یافته است و مرگ انسان‌ها با طاعون با توجه به شرایط کنونی بعید به نظر می‌رسد، ولی این احتمال وجود دارد که شیوع

۱. علی کورانی، معجم احادیث الامام المهدی، ج ۳، ص ۲۱.

۲. همان، ج ۳، ص ۴۴۰.

طاعون پس از بروز جنگ‌های فراگیر باشد. با بروز چنین جنگ‌هایی که با سلاح‌های کشتار جمعی، بسیاری از انسان‌ها کشته می‌شوند، هم توان مالی و اقتصادی کشورها از بین می‌رود و هم نیروی انسانی لازم برای مبارزه با بیماری‌ها به شدت کاهش خواهد یافت؛ با این شرایط، مبارزه با بیماری فراگیر طاعون امری مشکل خواهد بود. بنابراین اگر در این روایات، از مرگ بسیاری از انسان‌ها به وسیله طاعون سخن به میان آمده، می‌توان برای آن وجه معقولی تصور کرد. احتمال یادشده را می‌توان با توجه به این نکته تأیید کرد که در روایت بالا و روایات همانند، مرگ با شمشیر پیش از مرگ به سبب طاعون آورده شده است.

آنچه گذشت، قراین و شواهد خارجی بر رویارویی مسالمت‌آمیز امام (عج) با اهل کتاب بود. اکنون نوبت آن رسیده است که به بررسی روایاتی بپردازیم که در آن‌ها به مسئله قتل اهل کتاب توسط سپاه امام مهدی (عج) اشاره شده است. ما به منظور کامل شدن بحث و زدودن شبهه، دلالت روایات بر کشتار وسیع اهل کتاب توسط سپاه امام (عج) در این‌جا مجموعه روایات را آورده و مضامین آن‌ها را به کوتاهی بررسی خواهیم نمود. به تعبیر دیگر، هدف از آوردن این احادیث در این‌جا این است که اثبات کنیم از مجموعه روایاتی که بر قتل اهل کتاب توسط سپاه امام مهدی (عج) دلالت دارند، به هیچ وجه نمی‌توان کشته شدن بیشتر آنان را فهمید. بنابراین قراین و شواهدی که بر مسالمت‌آمیز بودن رویارویی امام (عج) با اهل کتاب اقامه شد، معارضی ندارند.

روایات

مجموعه این روایات را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱. دسته اول روایتی که احتمالاً بر کشته شدن همه کافران و مشرکان به دست امام (عج)

دلالت می‌کند:

شیخ صدوق به سند خود از ابی بصیر از امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه

﴿ هوالذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظہرہ علی الدین کلہ و لوکرہ المشرکون ﴾

(صف: ۹)

او کسی است که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا او را بر همه ادیان غالب سازد، هرچند

مشرکان کراہت داشته باشند. نقل می‌کند:

فاذا خرج القائم (عج) لم يبق كافر بالله العظيم و لامشرك بالامام الاكره خروجه حتى ان لو كان كافر او مشرك في بطن صخرة لقاتل: يا مؤمن في بطنى كافر فاكسرنى واقتله.^۱

چون قائم (عج) قیام کرد، منکر خداوند و مشرک به امامی نمی ماند، مگر این که از خروج او ناخشنود است. تا آن جا که اگر کافر یا مشرکی در دل صخره‌ای پنهان شده باشد، به صدا درآمده می گوید: ای مؤمن در دل من کافری است؛ مرا بشکن و او را بکش.

این احتمال وجود دارد که مفاد این روایت عمومیت قتل نسبت به تمامی کفار و مشرکین باشد؛ چرا که نکره در سیاق نفی افاده عموم می کند (لم یبق کافر و لامشرك؛ هیچ کافر و مشرکی نمی ماند...) توجه به جمله «اذا خرج القائم؛ چون قائم قیام کند» این احتمال که قتل تمامی مشرکان و کفار مخصوص مکان یا زمان یا جنگ خاصی باشد را تضعیف می کند. به عبارت دیگر، براساس ظاهر روایت، وقتی امام علیه السلام قیام خود را آغاز کرد و خبر آن به گوش کفار و مشرکان رسید، همه آنها از این حادثه ناخرسند خواهند شد و همه آنها را به دست امام کشته خواهند شد.

اگر ما روایت بالا را به شکلی که گذشت معنی کنیم، بر قتل تمامی کفار و مشرکین دلالت دارد؛ ولی به نظر می رسد چنین معنایی از روایت فوق قابل استظهار نباشد؛ چرا که غایت بودن جمله «حتی لوکان کافر او مشرك في بطن صخرة...» از جمله قبل، وجه معقولی ندارد؛ یعنی این که بگوییم «همه کفار و مشرکان از ظهور امام (عج) ناخشنود هستند تا این که اگر کافر یا مشرکی در جایی پنهان شود، آن جا می گوید کافر یا مشرکی زیر من پنهان شده» معنای محصلی ندارد؛ چرا که پنهان شدن کفار و مشرکان و خبر دادن موجودات از آنها نمی تواند غایت ناخشنودی آنان باشد. بلکه ظاهراً حتی غایت از چیزی است که از سیاق جمله فهمیده می شود؛ یعنی همه کفار و مشرکان از ظهور امام ناخشنود می شوند، میان کفار و مشرکین و امام جنگ و درگیری رخ می دهد و آنها با یکدیگر می جنگند تا آن جا که اگر در دل سنگ هم پنهان شوند...».

و طبیعتاً آنانی که با سپاه امام به رویارویی برمی خیزند، همه اهل کتاب نیستند؛ بلکه بخشی از آنها هستند. بنابراین این روایت بر قتل همه اهل کتاب دلالت ندارد.

۲. دسته دوم روایاتی هستند که بر قتل اهل کتاب در زمان یا جنگ خاصی دلالت

می کنند؛ از جمله:

الف: امام علی علیه السلام:

۱. علی کورانی، معجم احادیث الامام المهدی، ج ۵، ص ۱۴۵.

... ثم يموت عيسى و يبقى المنتظر المهدي من آل محمد (ص) فيسير في الدنيا و سيفه على عاتقه و يقتل اليهود والنصارى و اهل البدع^۱
 ... سپس عیسی علیہ السلام رحلت می‌کند و مهدی منتظر آل محمد (ص) باقی می‌ماند. او در حالی که شمشیر بر دوش دارد، زمین را درمی‌نوردد و یهود، نصارا و بدعت گزاران را می‌کشد.
 این روایت بر قتل آن گروه از اهل کتاب دلالت می‌کند که پس از مرگ عیسی علیہ السلام بر دین خود باقی مانده‌اند؛ ولی این که این عده از اهل کتاب چند درصد از مجموع اهل کتاب پیش از ظهورند، همه، اکثریت یا اقلیت، معلوم نیست. چه بسا با توجه به قراین و شواهدی که در جای خود ذکر شده است،^۲ بیشتر اهل کتاب اسلام آورده و تنها گروه اندکی باقی مانده و کشته شوند. بنابراین از این روایت نمی‌توان کمیت اهل کتابی را که به دست حضرت کشته می‌شوند به دست آورد.

ب: امام علی علیہ السلام:

... و يخرج عيسى فيلتنقى الدجال فيطعنه فيذوب كما يذوب الرصاص ولا تقبل الارض منهم احدا لا يزال الحجر والشجر يقول: يا مومن تحتى كافر اقتله.^۳
 ... و عیسی علیہ السلام خروج می‌کند و با دجال رویه‌رو می‌شود. پس نیزه‌ای به او می‌زند و او مانند سرب ذوب می‌شود. زمین هیچ یک از آن‌ها را در خود نمی‌پذیرد. پیوسته سنگ‌ها و درختان می‌گویند: ای مؤمن کافری در زیر من پنهان شده است او را بکش.

ج: امام باقر علیہ السلام:

... ثم ان الله تعالى يمنح القائم و اصحابه اکتافهم فيقتلونهم حتى يفنوهم حتى ان الرجل يختنفى في الشجرة والحجرة فتقول الشجرة والحجرة: يا مؤمن هذا رجل كافر فاقتله فيقتله.^۴
 ... سپس خداوند قائم (عج) و یارانش را بر آن‌ها مسلط می‌کند تا این که آن‌ها را کشته و از بین می‌برند. تا آن جا که اگر شخصی پشت درخت یا سنگی پنهان شود، درخت و سنگ می‌گویند: ای مؤمن، این مردی است کافر؛ او را بکش. پس او را می‌کشد.
 روایت «ب» مخصوص جنگ با سپاه دجال است. بنابراین دلالت بر کشته شدن کفار سپاه دجال می‌کند؛ نه مطلق کفار. روایت «ج» نیز به قرینه صدر روایت، بر قتل کفار در جنگ با سفیانی دلالت می‌کند:

إذا بلغ السفیانی ان القائم قد توجه من ناحية الكوفة يتجرد بخيله حتى يلقي القائم (عج)؛ ...

۱. همان، ج ۳، ص ۱۲۱.

۲. ر.ک: فصلنامه انتظار شماره ۱۱ و ۱۲ مقاله: اهل کتاب در دولت مهدی (عج).

۳. همان، ج ۳، ص ۱۲۲.

۴. همان، ج ۳، ص ۳۱۶.

چون به سفیانی خبر می‌رسد که قائم (عج) از سمت کوفه به سوی او حرکت کرده، با سواران خود به سوی او حرکت می‌کند تا این‌که با قائم (عج) روبه‌رو می‌شود...».

بنابراین نهایت مدلول این دو روایت و امثال آن، قتال تمامی کفاری است که در سپاه دجال و سفیانی حضور دارند؛ ولی این مطلب را که این تعداد از کفار چند درصد از همه کفار هستند، از این روایات نمی‌توان به‌دست آورد.

۳. دسته سوم، روایاتی که نه بر شمول قتل دلالت دارند و نه قتل در زمان یا جنگ خاصی که ما بعضی از آن‌ها را در این‌جا می‌آوریم:

الف: امام باقر علیه السلام:

ولا تبقى ارض الا نودی فیها بشهادة ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و ان محمدا رسول الله و هو قوله: ﴿له اسلم من فی السموات و الارض طوعا و کرها و الیه ترجعون﴾ و لا یقبل صاحب هذا الامر الجزیة کما قبلها رسول الله (ص) و هو قول الله ﴿و قاتلوهم حتی لا یتکون فتنه و یکون الدین کله لله﴾^۱.

جایی نمی‌ماند مگر این‌که در آن به یگانگی خداوند و رسالت پیامبر (ص) شهادت داده می‌شود و این همان سخن خداوند است که می‌فرماید: «تمام کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند، از روی اختیار یا از روی اجبار در برابر فرمان او تسلیم‌اند و همه به سوی او بازگردانده می‌شوند.» و صاحب این امر، آن‌چنان که رسول خدا (ص) جزیه می‌گرفت، جزیه قبول نمی‌کند و این همان سخن خداوند است که می‌فرماید: و با آن‌ها پیکار کنید تا فتنه (شرک و سلب آزادی) برچیده شود و دین (پرستش) همه مخصوص خدا باشد.

با توجه به این‌که در ذیل روایت به آیه شریفه «و قاتلوهم» ... استناد شده است، بنابراین امام علیه السلام با اهل کتاب به جهاد خواهند پرداخت و طبیعی است که در این جهاد، گروهی از اهل کتاب کشته خواهند شد؛ ولی این‌که چه قدر از اهل کتاب به دست سپاه امام علیه السلام به قتل خواهند رسید، مسئله‌ای است که روایت نسبت به آن ساکت است.

ب: امام کاظم علیه السلام در تفسیر آیه ﴿و له اسلم من فی السموات و الارض طوعا و کرها﴾:

(آل عمران: ۸۳) «و تمام کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند، از روی اختیار یا از روی اجبار در برابر فرمان او تسلیم‌اند».

فرمود:

انزلت فی القائم اذا خرج بالیهود والنصارى والصابئین والزنادقة و اهل الردة و الکفار فی شرق الارض و غربها فعرض علیهم الاسلام فمن اسلم طوعاً امره بالصلاة و الزکاة و ما یؤمر به المسلم و ینزلت علیه و من لم یسلم ضرب عنقه

حتى لا يبقی فی المشارق والمغرب احد الا وحد الله قلت له: جعلت فداک ان الخلق اکثر من ذلك. فقال: ان الله اذا اراد امرا قلل الكثير و کثر القليل.^۱

این آیه درباره قائم (عج) نازل شده است. او چون بر یهود، نصاری، صابئان، ملحدان، مرتدان و کفار شرق و غرب زمین خروج کرد، اسلام را بر آنها عرضه می‌کند. پس کسی که از سر اختیار اسلام آورد، او را به نماز و زکات و واجبات الهی و آنچه که بر عهده مسلمان است دستور می‌دهد و کسی که اسلام نیاورد را گردن می‌زند. تا این‌که در شرق و غرب کسی نمی‌ماند، مگر اینکه به یگانگی خداوند معتقد باشد. راوی گوید: عرض کردم: فدایت شوم مردمان بیش از این هستند که بتوان آنها را کشت. حضرت فرمود: چون خداوند اراده فرماید زیاد را کم و کم را زیاد می‌کند.

گرچه در این روایت، قتل غیرمسلمانان مشروط به اسلام نیاوردن آنها شده و جمله شرطیه به خودی خود هیچ دلالتی بر تحقق شرط ندارد؛ لذا تحقق مشروط نیز قطعی نیست؛ ولی با توجه به علم امام (عج) به آینده، طبیعتاً اگر این شرط برآورده نمی‌شد و کسی نیز کشته نمی‌شد - یعنی همه مسلمان می‌شدند - امام جمله را به این شکل بیان نمی‌کرد؛ بلکه می‌فرمود همه مسلمان می‌شوند. بنابراین بیان مطلب به شکل قضیه شرطیه خالی از اشاره به وجود برخی از افرادی که اسلام را اختیار نکرده و کشته می‌شوند نیست. مؤید این مطلب، فهم راوی حدیث است که او نیز از قضیه شرطیه تحقق شرط - عدم اسلام - و در نتیجه، تحقق مشروط قتل - را فهمیده است؛ لذا می‌پرسد که مردم بسیاری را قتل آنها ممکن نیست و حضرت نیز فهم او را رد نکرده و با این پاسخ که برای خداوند کم و زیاد تفاوتی ندارد فهم او را تأیید می‌کند.

بنابراین دلالت روایت بر قتل برخی از اهل کتاب مسلم است، ولی کمیت اهل کتابی که کشته می‌شوند مسئله‌ای است که در این روایت به آن هیچ اشاره‌ای نشده است. چه بسا با توجه به قراین و شواهد گذشته، بیشتر اهل کتاب اسلام آورده و گروه اندکی کشته می‌شوند.

پرسش: مدلول ذیل روایت بالا این است که بسیاری از اهل کتاب به دست حضرت کشته می‌شوند؛ زیرا راوی از سخن حضرت این گونه فهمیده که گروه زیادی به دست امام مهدی (عج) کشته خواهند شد و حضرت نیز این فهم را رد نمی‌کند و پاسخ می‌دهد خداوند اگر بخواهد کم را زیاد و زیاد را کم می‌کند که این پاسخ به گونه‌ای پذیرفتن فهم راوی نیز هست. بنابراین از این روایت فهمیده می‌شود که امام مهدی (عج) در رویارویی با اهل کتاب، از حربه قتل و کشتار به گستردگی استفاده می‌کند و تعداد بسیاری از آنان را به

۱. علی کورانی، معجم احادیث الامام المهدی، ج ۵، ص ۶۰.

قتل می‌رسانند.

پاسخ

یکم: در این روایت، از شش گروه نام برده شده است: یهود، نصاری، صابئین، ملحدین، مرتدین و کفار و مدلول روایت قتل بسیاری از مجموعه این شش گروه است؛ نه کشته شدن بسیاری از یهود و نصارا. بنابراین اگر ما از شواهد و قراین دریافتیم که شیوه امام (عج) در رویارویی با اهل کتاب برپایه گذشت و مداراست، در نتیجه، سهم اهل کتاب از این کشتار گسترده بسیار اندک خواهد بود.

دوم: «قتل کثیر» غیر از «قتل اکثر» است؛ ممکن است امام (عج) از یک مجموعه صد میلیون نفری ۵۰ هزار معاند را به قتل برساند؛ ولی این گروه، بیش‌تر مجموعه صد میلیونی نیستند. گرچه اگر بدون مقایسه در نظر گرفته شوند، گروه زیادی هستند. بنابراین ما این واقعیت را می‌پذیریم که ممکن است از اهل کتاب نیز گروه زیادی کشته شوند، ولی با توجه به قراینی که پیش‌تر برشمردیم، این گروه زیاد در مقایسه با جمعیت مجموعه اهل کتاب، درصد بسیار اندکی خواهند بود و قتل این تعداد از اهل کتاب به دلیل عناد و خصومتی که با حکومت جهانی امام (عج) دارند، بسیار طبیعی خواهد بود.

جمع بندی:

از مجموع روایاتی که متعرض مسئله قتل اهل کتاب شده است، در روایات دسته دوم و سوم، گرچه به مسئله قتل اشاره شده است، لیکن از میزان استفاده امام مهدی (عج) از این اهرم ذکری به میان نیامده است.

بنابراین با توجه به قراینی که سابقاً برشمردیم - قراین اسلام اکثربیت^۱ و برخورد مسالمت‌آمیز امام با اهل کتاب - می‌توان این احتمال را تقویت کرد که اهل کتابی که به دست امام (عج) کشته می‌شوند، در مقایسه با مجموعه جمعیت اهل کتاب بسیار اندک خواهند بود.

در معنای روایت دسته اول، دو احتمال وجود داشت که براساس احتمال اصح، معنای روایت، عمومیت قتل کفار و مشرکین نبود؛ لیکن اگر ما مفاد این روایت را عمومیت قتل کفار و مشرکان بدانیم، این معنی به چند دلیل قابل اخذ نیست:

۱- روایات دسته دوم و سوم که براساس آن‌ها، قتل کفار و مشرکین پس از اتمام

۱. فصلنامه انتظار شماره ۱۱ و ۱۲ مقاله اهل کتاب در دولت مهدی (عج).

حجت و عرضه اسلام خواهد بود.

۲- این اصل مسلم و قطعی عقلی و اسلامی که کشتن شخصی پیش از اتمام حجت و آشکار شدن حقیقت ممنوع است. بنابراین اگر در این روایت، سخن از قتل تمامی کفار به میان آمده است، منظور کفاری است که پس از اتمام حجت و آشکار شدن حقیقت، باز بر عقیده باطل خود اصرار بورزند.

علاوه بر این که ظهور عبارت «اذا قام القائم»^۱ بر شروع قتل از همان آغاز ظهور نیز محل تأمل است؛ چرا که این واژه می‌تواند به این معنی باشد که این اتفاقات - ناخشنودی کفار از ظهور و قتل آن‌ها - پس از قیام رخ خواهد داد؛ اما بلافاصله یا با تأخیر بودن این اتفاقات، مطلب دیگری است که از این واژه نمی‌توان استفاده کرد.

آنچه گذشت، برخوردهای اولیه سپاه امام مهدی (عج) با اهل کتاب بود. تحقیق درباره سرنوشت اقلیت باقی‌مانده اهل کتاب را که نه اسلام آورده و نه در جریان فتح دنیا کشته می‌شوند در جای خود باید دنبال کرد.